

## بررسی مولفه‌های اعتقادی در اشعار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو از دریچه‌ی نظریه‌ی بینامتنیت

الهام بادلو<sup>۱</sup>

ابوالقاسم امیراحمدی<sup>۲</sup>

علی عشقی سردهی<sup>۳</sup>

### چکیده

بینامتنیت مفهومی است که بر وجود یک متن اصلی در عرصه‌ی ادبیات، نقد یا علم در ارتباط با متون دلالت می‌کند که این متون به تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر متن اصلی در گذر زمان می‌پردازند. بینامتنیت و به تعبیری نظریه‌ی تعامل متن‌ها از جمله مباحث مهم و مورد توجه پژوهش‌گران و ناقدین ادبی است و این دستاورد نوین در حوزه‌ی ادبیات به بررسی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و نیز تأثیرپذیری یک متن از متون دیگر، چه در حوزه‌ی شعر و چه در عرصه‌ی نثر می‌پردازد، این پژوهش نیز تلاش دارد تا کلام شعری مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو را براساس پیوندشان با آیات قرآنی و روایات، براساس نظریه‌ی بینامتنی ناقدین این عرصه مورد بررسی قرار دهد تا وام‌گیری‌های آگاهانه یا غیرمستقیم شاعران مورد بحث و نیز چگونگی به‌کارگیری آن‌ها در استفاده از آیات و روایات، بر همگان مکشوف گردد. شیوه‌ی انجام پژوهش براساس روش تحلیلی-توصیفی و بر اصول کاربردی‌ست و مبانی نظری آن نیز بر پایه‌ی آراء نظریه‌پردازان بینامتنی استوار می‌باشد تا افزون بر نشان‌دادن ساختار منسجم ابیات، مخاطب بدانند که شاعران با چه ترفندهای ادبی‌ای، این مضامین وحیانی را در اشعار خویش گنجانده و برخلاف باور برخی از منتقدین، سخن خود را رنگ‌وبویی قرآنی و دینی بخشیده‌اند. در پایان نیز این نتیجه حاصل می‌آید که با وجود نظر منتقدین پیرامون تفکر حاکم بر اندیشه‌های شعری اخوان ثالث و به خصوص احمد شاملو، حقایق قرآنی و عقاید اسلامی و دینی به‌گونه‌ای مشهود در آثار ایشان هویدا است.

### واژگان کلیدی

قرآن کریم، روایات دینی، نقد بینامتنیتی، اخوان ثالث، شاملو.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار ایران.

Email: Badloo.elham@gmail.com

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار ایران (مسئول مکاتبات)

Email: Amirahmadi@iaus.ac.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار ایران.

Email: Eshghi@iaus.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۲

## طرح مسأله

هر متنی ناگزیر با متن‌های دیگر تعاملی دو طرفه دارد تا به صورت متن ادبی جدیدی ظاهر شود. با این که هر متنی بیشتر از تجربه‌ی نگارنده‌ی آن منتفع می‌شود، اما اقتباس‌های بینامتنی نیز به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه بر آن تأثیرگذار است. در حقیقت متون تا حدی به یکدیگر مرتبط هستند و به هنگام نگارش متن نوین، مرز میان متن‌ها برداشته می‌شود و تأثیری نامحدود بر یکدیگر می‌گذارند. به بیانی ساده‌تر، هر متنی متون مختلفی را در خود جای داده و در شکلی جدید آن‌ها را باز آفرینی نموده‌است، به گونه‌ای که از این متون، چیزی جز اشاراتی باقی نمی‌ماند که خواننده را به متن پنهان راهنمایی می‌کند (نک). میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۵). در حقیقت متن تولیدشده حاصل برآیند دگرگونی‌های متن یا متون دیرینه است که در هم تنیده شده‌است و نگارنده‌ی متن جدید، خود را صاحب آن می‌پندارد، حال آن که این متن‌ها از راه‌های ناخودآگاهانه به ذهن او راه یافته و با عملیاتی در ذهن مؤلف کامل می‌گردد (یوسف، ۲۰۰۰: ۱۲۵/۲)؛ بنابراین منظور از بینامتنی، ارتباط موجود میان هر متن ادبی با متون دیگر است.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، اشارات و کاربردهای مختلف آیات قرآن کریم بر مبنای نقد بینامتنی است که در آثار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو روی می‌نماید و مخاطب را به این نکته رهنمون می‌سازد که سخن شاعران مطمح نظر خواه-ناخواه تحت تأثیر کاربرد مفاهیم، قصص، مفردات و ترکیبات قرآنی قرار داشته‌اند و شاعران توانسته‌اند علاوه بر کاربرد واژگان و مفاهیم قرآن کریم در راستای تبیین فضای حاکم بر افکار و اندیشه‌های‌شان، به آموزه‌ها و تعالیم ارزشمند قرآنی نیز اشاره نمایند. این مسأله از آن‌جا که منقدین نگاه مثبت و دین‌مداری به اشعار اخوان ثالث و به‌ویژه احمد شاملو ندارند و چنین انتظاری از آن نمی‌رود، حایز اهمیت است؛ نمود این آموزه‌ها به گونه‌ای است که شاعران آن‌ها را به دور از لفافی و ایهام در قالب اصول بینامتنی ضمنی و صریح بیان می‌نمایند؛ به دیگر بیان، اخوان و شاملو هم‌چون بسیاری از شاعران ایرانی از آیات و الفاظ قرآن کریم و داستان انبیا به‌صرف تلمیح بهره نبرده‌اند، بلکه کاربرد آن‌ها گونه‌ای از وام‌گیری بینامتنی با تفسیرهای تازه است.

در کلّ تاریخ ادبیّات و نه تنها به ادبیّات فارسی بلکه به ادبیّات ملل، باید به صورت یک کلّ و یک مجموعه نگاه کرد که هر جز این مجموعه بر دیگر اجزای مجموعه تأثیر می گذارد. نویسندگان ادبی پیرنگ، ویژگی های گونه ای، ابعاد شخصیت پردازی، صور ذهنی، شیوه های روایتی و حتّی عبارات و جملات را از متون متقدّم و از سنت های ادبی خویش می گیرند (نک. آلن، ۱۳۸۰: ۱۱)، در نتیجه بررسی تأثیر و تأثر آثار بر یکدیگر، از مهم ترین اهداف پژوهش گران بینامتنیت است. در بررسی متون باید دید که نویسنده یا شاعر ادامه ی کدام سنت ادبی - معرفتی است و او آن سنت خاص را چگونه بیان می کند؟ همین جاست که بحث بینامتنیت به عنوان یک نظریه ی متن شناختی، به منظور درک و دریافت بهتر متن مطرح می شود.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد، چگونگی تأثیرپذیری اخوان ثالث و شاملو از گزاره های قرآنی و مفاهیم و واژگان کلام و حیانی است و این که آیا استفاده و کاربرد این مضامین در جهت عمق بخشی به معنا و بیان آموزه های دینی و تربیتی بوده یا لفظ پردازی و سودجستن از آن در جهت آراستگی کلام است؟ روش کار نگارندگان نیز در این پژوهش بر مبنای روش های متداول در نظریه ی بینامتنیت است اما تقسیم بندی و روش ترکیبی آن، نظر خود نگارندگان می باشد؛ درحقیقت، تلاش شده ضمن استفاده از تجربیات کریستوا، بارت، باختین و ژنت، به روشی مناسب در تحلیل بینامتنی اشعار ایشان دست یازند و لازم به ذکر است که اصول بینامتنی در این مقاله، براساس سه عنصر «وام گیری، تفسیر و خلّاقیت» استوار است.

## ۱-۲. ضرورت و اهمّیت پژوهش

پیوند ناگسستنی و دوسویه ی متون فرهنگی و ادبی امری طبیعی است و هیچ متنی نمی تواند آزاد از دیگر متون فراهم آید؛ نظریه پردازان روابط متون نیز بر این اندیشه اند که متون ادبی به شیوه های گوناگون، اندام وار با متون پیش از خود در ارتباطند و شناخت و تفسیر این متون جز با کشف انواع روابط موجود در آنها امکان پذیر نیست. این مقاله بر آن است تا با معرفّی اجمالی نظریه ی بینامتنیت به عنوان چارچوب نظری پژوهش، به بررسی بینامتنیت اعلام و مضامین دینی در افکار و کلام شعری شاعران مورد بحث مقاله پردازد و

از آنجایی که تاکنون پیرامون این موضوع، پژوهش مستقلی که جوانب گوناگون بحث را روشن نماید، صورت نگرفته است، مقاله‌ی پیش‌رو بر این مهم همت گمارده است.

### ۱-۳. پیشینه‌ی پژوهش

نگارندگان بر این عقیده‌اند که اگر چه در زمینه‌ی نظریه‌ی بینامتنیت و نیز جنبه‌های مختلف آثار احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث در مقوله‌های گوناگون، تحقیقات بسیاری انجام گرفته، اما با توجه به اهمیت مبانی نظری پژوهش، به دلیل فروانی کتاب‌ها، پایان‌نامه و مقالات در خصوص دو شاعر مورد بحث، تنها به یادکرد آثاری پیرامون مقوله‌ی بینامتنیت اکتفا می‌گردد؛ از جمله‌ی مهم‌ترین این پژوهش‌هاست:

آلن، گراهام (۱۳۸۰) بینامتنیت، ترجمه‌ی پیام یزدانجو؛ نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۰).  
 در آمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها؛ سید محمدرضی مصطفوی‌نیا (گردآورنده / ۱۳۹۳) مجموعه‌ی مقالات همایش ملی بینامتنیت؛ نامورمطلق، بهمن (۱۳۸۶) «ترامتنیت؛ مطالعه‌ی روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی؛ یداللهی اصلان، ابوالفضل و مهناز مقبلی (۱۳۹۳). «تبیین رابطه‌ی بینامتنیت با دیگر فنون بلاغی»، مجموعه‌ی مقالات همایش ملی بینامتنیت؛ ویکلی، کریستین (۱۳۸۴). «وابستگی متون، تعامل متون»، ترجمه‌ی طاهر آدینه‌پور، پژوهشنامه‌ی ادبیات و نوجوان؛ موسوی، سیدرضا و راضیه رفیعی (۱۳۹۱). «بینامتنیت کلام الهی در خطبه‌های نهج‌البلاغه»، مجموعه مقاله‌های همایش نهج‌البلاغه و ادبیات؛ کیانی، رضا و همکاران (۱۳۹۲). «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین پور»، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی؛ قنبری، علی و رضا عبدالمالکی (۱۳۹۱). «مفهوم بینامتنیت در منابع بلاغت فارسی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک. اما پژوهشی که از دیدگاه بینامتنیت، اعلام و مضامین دینی به کار رفته در اشعار اخوان ثالث و شاملو را مورد بررسی قرار دهد، اهمیاتی نشان داده نشده است.

### ۲. بینامتنیت چیست؟

بینامتنیت در ساده‌ترین حالتش به این معنی است که متنی از متون و افکار گذشته‌ی دیگران چه خودآگاه و چه ناخودآگاه تضمین و اقتباس گشته، به گونه‌ای که این متون و اندیشه‌ها در متن اصلی ذوب شده و متنی جدید و کامل عرضه گردد؛ بینامتنیت عبارت

است از: ایجاد رابطه ای اثربخش میان متن پیش‌نوشته و متن موجود در ذهن، برای آفرینش متن جدید. این نظریه از طریق ارتباط میان‌متنی، موجب آفرینش متن جدید شده و هر متن ادبی را به منزله ی جذب و دگرگون‌سازی دیگر متون گوناگون گذشته و یا هم‌زمان با آن می‌داند.

بینامتنیت در نظر کریستوا به این معنی است که هیچ متنی مستقل از دیگر متن‌ها نیست و هر متن، تحت تأثیر متن‌های دیگر شکل گرفته و تفسیر می‌یابد. حتی برخی در معنای آن پا را فراتر از رابطه و تعامل نهاده، معتقدند «هر متن براساس متن‌هایی که پیش‌تر خواندیم، معنایی حقیقی می‌یابد» (به نقل از: رنجبر و عربی، ۱۳۹۲: ۹۳). بینامتنیت در نقد معاصر ایران، ترجمه ی اصطلاح فرانسوی «intertext» است (نک. العانی، ۱۹۹۹: ۲۵۳؛ الرباعی، ۲۰۰۹: ۲۰۳). کلمه ی inter در زبان فرانسه به معنی «تبادل و تعامل» و نیز کلمه ی text به معنای «متن» است و اصل آن از فعل لاتینی textere مشتق شده است؛ بدین ترتیب، مفهوم لغوی این اصطلاح «تبادل متنی» می‌باشد (نک. امانی، احمدی و شادمان، ۱۳۹۲: ۷۶).

برخی از صاحب‌نظران نیز معنای اصلی بینامتنیت را از interweaving به معنی «درهم‌بافتن» دانسته و معتقدند «این اصطلاح در این حوزه‌ها و به‌طورساده ناظر بر شکل‌یافتن هر مفهوم از مؤلفه ی متنی متعدد است» (صافیان و غیاثوند، ۱۳۹۰: ۱۱) که در زبان فارسی به «بینامتنیت»، «بینامتنی»، «میان‌متنی» و نیز در زبان عربی به «التناص» ترجمه شده است.

### ۳. بحث و بررسی

علم نقد همواره در ادبیات از ارزش و جایگاه بالایی برخوردار بوده و به‌عنوان محک ارزش‌گذاری آثار ادبی از دیرباز مورد توجه قرار گرفته است. اصطلاح بینامتنیت در ساده‌ترین تعریف «رابطه ی دو لفظ و در مفهوم عمیق‌تر، رابطه ی دو یا چند متن با یکدیگر» است. در این بخش از پژوهش، نخست به ارائه ی شاهد مثال‌هایی از آثار اخوان ثالث و شاملو به‌عنوان «متن حاضر» مبادرت ورزیده می‌شود و در ادامه آیاتی از قرآن کریم و یا احادیث و روایاتی که شاعران مطمح نظر پژوهش در کلام‌شان به آن‌ها نگاه ویژه داشته‌اند، به‌عنوان «متن غایب» ذکر می‌گردند. در ادامه و در قالب «عملیات بینامتنی»، گونه‌های

مختلف تأثیرپذیری شرح داده می‌شود.

در تعریف بینامتنیت موضوعی گفته‌اند: «هرگاه شخص مبدع یا شاعر از اسامی پیامبران، بزرگان، اولیا، حوادث تاریخ اسلامی و دینی در آثار و اشعار خود ذکر نماید، بینامتنیت موضوعی گفته می‌شود» (امامی، ۱۳۹۳: ۱/۳۲۸). این دسته‌بندی که برای انواع تناسبات ذکر کرده‌اند، از نظر نوع متنی است که در متن اصلی به کار می‌رود و عبارتند از:

۱) بینامتنیت ادبی: تداخل متون ادبی با یکدیگر را بینامتنیت ادبی می‌نامند و شاعر یا نویسنده در پس هماهنگی‌ای که میان متون ایجاد می‌کند، به دنبال اهداف خاصی است و ادبیات و داستان‌های ملت‌های قدیم و جدید را در بر می‌گیرد؛ ۲) بینامتنیت اسطوره‌ای: در این نوع، شاعر یا نویسنده بعضی از اسطوره‌های کهن را در متن خود به کار می‌گیرد؛ ۳) بینامتنیت تاریخی: شاعر یا نویسنده در این نوع، به بعضی از وقایع، حوادث، آثار، کلمات تاریخی خاص اشاره می‌کند و آن‌ها را در متن اصلی خود به کار می‌گیرد؛ ۴) بینامتنیت دینی: شاعر یا نویسنده در این نوع بینامتنیت، از منابع دینی و روایات و احادیث برای خلق اثر خویش بهره می‌گیرد. بینامتنیت در اشعار، احادیث شریف را نیز در بر می‌گیرد که به معنوی و لفظی قابل تقسیم است؛ ۵) بینامتنیت قرآنی: قرآن کریم یکی از متن‌هایی است که سروده‌های بسیاری از شاعران فارسی و عربی با آن پیوند ناگسستنی دارند؛ در این نوع، شاعر یا نویسنده برای تأثیر بیشتر و بهتر در مخاطب، از آیات قرآنی استمداد می‌گیرد؛ ۶) بینامتنیت عرفانی - صوفی: به کارگیری متون عرفانی و صوفیانه، سخنان اهل تصوف و بیان حالات آنان در شعر که دارای نوعی انسجام و یکپارچگی با متن مورد نظر هستند و شاعر یا نویسنده را در راه رسیدن به هدف خویش رهنمون می‌سازند، بینامتنیت عرفانی - صوفی می‌نامند؛ ۷) تناسبات وراثتی: این نوع تناسبات در نثر بیشتر از شعر وجود دارد؛ مانند روایت و سیره. این نوع تناسبات شامل به کارگیری خطابه‌ها، وثیقه‌ها یا اوراق دیگری مانند نامه‌های شخصی یا اخوانیاتی است که در متن اصلی مندرج است (نک. العامری، بی تا، ۸-۵). در ادامه بررسی بینامتنیت مفاهیم متأثر از قرآن کریم و تعالیم دینی مورد نظر پژوهش قرار می‌گیرد:

کاربرد الفاظ و واژگان قرآن و یا حدیث را در سخن، مستقیم یا غیرمستقیم، به طریق

وام گیری، ترجمه و یا برآیندسازی، اثرپذیری [یا بینامتنیت] نام نهاده اند (نک. راستگو، ۱۳۸۰: ۱۵). هرچند برخی از واژگانی که در این بخش بدان اشاره می شود از فارسی گرفته شده، یا منحصر به فرهنگ اسلامی نیست، با این وصف چنان که خواهد آمد، شاعر آن را در مفهوم اسلامی آورده است و نشان از رویکردهای دینی و مذهبی شاعر در این منظومه دارد.

### ۳-۱. حضرت آدم و حضرت حوا (هبوط، سجده، طینت، اشرف مخلوقات) متن حاضر (شاهد مثال ها)

دیبری، دکتری، نرسی، مدیری      چو من درویش و یکسان خاک و زردان  
که راه آدم و حوا پیوییم      و گر گاهی رضا باشد، بگردان!  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۲۵۲)؛

و آدمی جانوران را همه در راه نهاد\* و از ایشان برگذشت\* و بر ایشان سر شد از آن  
پس که دستان خود را از اسارت خاک باز رها کنید (شاملو، ۱۳۷۶: ۵۲)؛  
می شناسی - به خود گفته ام - / همان ام که تو را سفته ام / بسی پیش از آن که خدا را  
تنهایی آدمک اش بر سر رحم آورد: بسی پیش از آن که جان آدم را / پوک ترین استخوان  
تن اش هم دمی شود برنده / جامه به سب و گندم بر درنده (شاملو، ۱۳۷۹: ۱۴۶)؛  
شهادت داده اند / که وسعت بی حدود زمان را / در گردش چاره جایی سال دریافته یی /  
شهادت داده یی که راز خدا را / در قالب آدمی به چشم دیده یی / و نداورم را در عشق  
(شاملو، ۲۵۳۶: ۲۳)؛

### متن غایب

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ  
فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ: پس شیطان آن دو را به خطا واداشت، و از بهشتی که  
در آن بودند بیرون راند. گفتیم: پایین روید، برخی دشمن برخی دیگر، و قرار گاه و جای  
برخورداری شما تا روز قیامت در زمین باشد» (بقره/۳۶)؛

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ: فرشتگان همگی سجده کردند (بقره/۳۰)؛  
فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَىٰ آدَمُ

رَبَّةٌ فَعَوَى: آن گاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسباندن برگهای بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت (طه/۱۲۱)؛

يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرابٍ: ای مردم، اگر در باره برانگیخته شدن در شکید، پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم (حج/۵).

### عملیات بینامتنی

خال مشکین تو بر عارض گندم گون دیدم آدم آمد زپی دانه و در دام افتاد (ساوجی، ۱۳۸۲: ۲۷۱)

چشم از آن خال پوشید که در روز نخست برق در خرمن آدم به همین دانه زدند (صائب، ۱۳۸۳: ۱۷۲۷)

نه همین دانه‌ی خال توره آدم زد کز سر زلف سیه دامگه شیطانی (فروغی، ۱۳۸۶: ۱۷۲)

متن حاضر در ردیف بینامتنیت موضوعی قرآنی است و بر اساس نظریه‌ی بینامتنیت الیافی، می‌توان آن را جزء بینامتنیت آشکار دانست.

سجده کردند ملائک تن آدم را زود پرتوجان تو دیدند در آن جسم سنی (مولوی، ۱۳۷۷: ۱۰۶۹)

نان جو خور در بهشت سیر چشمی سیرکن گرد عصیان بهر گندم بر رخ آدم نشست (صائب، ۱۳۸۳: ۷۸۶)

ماجرای طینت آدمی و تخمیر شدن آن به دست حضرت حق جل و علی، بارها در کتب عرفانی و سروده‌های شعرا بیان شده و به نگارش در آمده‌است.

ادب فارسی هم از چگونگی خلقت آدمی و نیز مخمر کردن طینت وی چنین سخن به میان آورده‌اند:

عشق بازی نه به بازی است که داننده‌ی غیب عشق در طینت آدم نه به بازیچه سرشت (خواجوی کرمانی، ۱۳۹۱: ۳۵۰)

به کمال رسیدن آدمی و نیز به عشق سرشته کردن این طینت، هدف غایی و نهایی



خلقت آدمی است.

### ۲-۳. شیطان رجیم (اهریمن و ابلیس)

#### متن حاضر (شاهد مثال ها)

تا شدم ارادتمند این شراب گلگون را هم مراد جبریلیم، هم مرید شیطانم  
(اخوان ثالث، ۲۵۳۶: ۷۱)؛

بی گمان بینی همان جبر ضرورت هاست / که بدین سان پیش غافل چشم ظاهر بین، /  
چشم قانون، چشم عرف و سنت و آئین / ناپسندی، لغزشی گمراه و شیطانی ست (اخوان  
ثالث، ۱۳۵۷: ۴۲)؛

با طنین سرودی خوش بدرقه اش کنید که شیطان / فرشته برتر بود / مجاور و همدم  
(شاملو، ۲۵۳۶: ۱۱)؛

سوی بس پس کوجه ها رانده، / با غرور تشنه مجروح، / با تواضعهای نادلخواه، / نیمی  
آتش را و نیمی خاک را مانم (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۱۲۳).

#### متن غایب

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ: و چون قرآن بخوانی، از شیطان رجیم به خدا پناه ببر  
(نحل / ۹۸)؛

#### عملیات بینامتنی

رجیم به معنی طرد، دور ساختن و زدن با سنگ است. رجیم؛ مطرود شدن، ما را به یاد  
غرور و کبرورزیدن «شیطان در مقابل دعوت خداوند به سجود و خضوع در مقابل آدم  
می افکند:

دام سخت است مگر یار شود لطف خدا / و نه آدم نبرد صرغه ز شیطان رجیم  
(حافظ، ۱۳۹۱: ۴۷۵)

متن حاضر جزء بینامتنیت موضوعی است و بر اساس نظریه ی بینامتنی ناقدین نسل،  
می توان آن را در ردیف بینامتنیت نسل دوم جای داد

### ۳-۳. حضرت یوسف (ع)

#### متن حاضر (شاهد مثال ها)

آن یوسف سیاوشی ام، همچو گل گذشته از آتش / آن راز روز، پاک ترین باغ هیچ

گناهی / اکنون دوباره زندانی‌ست / در چاهی از سیاه‌ترین قعرهای تباهی (اخوان ثالث، ۱۳۹۳: ۵۸)؛

من با تو به یک شهر ز دیدار تو محروم      نفرین به زمین و فلک و ثابت و سیار  
گوئی که تو در مصری و من مانده به کنعان      یا آن‌که تو در هندی و من رفته به فرخار  
(اخوان ثالث، ۲۵۳۶: ۱۸۳)؛

اگر دیدی در آنجا مادرم را      پریشان مادر بی‌دخترم را  
نگوئی خان دشتی برد او را      بگو گرگ بیابان خورد او را  
(اخوان ثالث، ۲۵۳۶: ۲۵۲).

### متن غایب

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلْمُتَلِّينَ: به‌راستی در [سرگذشت] یوسف و برادرانش برای پُرسندگان عبرت‌هاست. (یوسف/۷).

### عملیات بینامتنی

یوسف صدیق یکی از پیامبران الهی است که نامش ۲۷ مرتبه در **قرآن کریم** ذکر شده‌است. قصه‌ی حضرت یوسف سراسر حاوی نکات آموزنده و عبرت‌آموزی است که در آن می‌توان الطاف بی‌شائبه‌ی الهی را شامل حال این نبیِّ خدا دید. منقول است که حضرت یعقوب نبی علیه السلام دوازده پسر داشت که حضرت یوسف (و برادر کوچک او بنیامین) از زن محبوبش راحیل بود. سوره‌ی یوسف اختصاص به شرح حال این پیامبر دارد؛ او که محبوب پدر بود مورد حسد برادران قرار گرفت و برادران ناتنی برای گسستن رشته‌ی مهر و مودت بین پدر و وی، یوسف را با خود به صحرا بردند و در چاهی انداختند و پیراهنش را به خون آلودند و به پدر گفتند که یوسف را گرگ دریده‌است (نک. حریری، ۱۳۸۴: ۳۹۴).

در ادب فارسی ما هم شعری بوده‌اند که به یاد چاه یوسف نبی بیفتند. به عنوان نمونه:

دوش در چاه زنخدان تو افتاد دلم      خبری داری از آن یوسف زندانی من  
(دهلوی، ۱۳۸۰: ۸۹۲)

در چاه زنخدان تو صد یوسف گم      خود دلو تویی یوسف و چه می‌طلبی  
(بابا افضل، ۱۳۶۳: ۱۷۲)

هم چو یوسف گرچه چاهش جاه داد      تا به هفتم آسمان راه داد  
(عطار، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

اشراف شاعران مورد بحث مقاله به آیات قرآن و نیز آگاهی ایشان از احوالات انبیای الهی به ویژه یوسف مصری، بینامتنیت قرآنی اشعارشان را تصدیق می کند. از دیدگاه الیافی، ناقد و نظریه پرداز بینامتنی نیز این گزاره ها در ردیف بینامتنیت آشکار قرار می گیرد. بر طبق نظریه ی بینامتنی کریستوا، غالب این وام گیری های واژگانی، از نوع بینامتنیت جزئی - متوازی است. یعنی برخی را تغییری جزئی داده و با همان مضمونی که در متن غایب به کار رفته، بدون تغییر کاربرد و مفهوم گنجانده است و برخی دیگر از آن اعلام را در جهت اهداف ادبی - غنایی با نوعی تنوع و نوآوری همراه کرده است.

### ۳-۴. حضرت عیسی مسیح (ع)

#### متن حاضر (شاهد مثال ها)

بهل کاین آسمان پاک، / چراگاه کسانی چون مسیح و دیگران باشد: / که زستانی  
چومن هرگز ندانند و ندانستند کآن خوبان پدرشان کیست؟ (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۱۵۹)؛  
از رفت ما چکار برآید؟ هیچ      یا رب فرو فرست مسیحا!  
(اخوان ثالث، ۲۵۳۶: ۱۴۸).

#### متن غایب

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَعَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ  
أَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ وَ  
فَرِّقُوا تَفْتُلُون. و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم، و پس از او پیامبرانی را پشت سر  
هم فرستادیم، و عیسی پسر مریم را معجزه های آشکار بخشیدیم، و او را با «روح القدس»  
تأیید کردیم پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر  
ورزیدید؟ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید (بقره/۸۷).

#### عملیات بینامتنی

ادب فارسی ما هم از حضور شاعرانه ی این نبی خدا مشحون و مملو است:

عیسی لب است یار و دم از من دریغ داشت      بیمار او شدم قدم از من دریغ داشت

(خاقانی، ۱۳۷۸: ۸۱۶)

با توجه به اسم عیسی مسیح می‌توان متن مذکور را در زمره‌ی بینامتنیت موضوعی قرآنی و نیز بینامتنیت خوانش (دریافت) بارت و ریفاتری دانست.

### ۳-۵. حضرت مریم (س)

#### متن حاضر (شاهد مثال‌ها)

تو نسجت بافته عیسی چنان، مریم چنین رشته / خمیرت در شعور برتر آغشته - / دو همتای تو بی‌همتا / خدائی یا خدا / چه، خواجه یا راجا / بین، آنجا! (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۱۰۰).

#### متن غایب

يا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْفَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ: ای اهل کتاب، در دین خود غلو نکنید و در باره خدا جز [سخن] درست مگویید. مسیح، عیسی بن مریم، فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگویید [خدا] سه گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است (نساء / ۱۷۱).

#### عملیات بینامتنی

فرشته حضرت مریم را به تولد پسری مژده داد و آن‌گاه در آستین وی دمید و او باردار شد. خود ایشان در بیت المقدس نگهداری می‌شد و به موجب قرآن هر وقت حضرت زکریا - علیه السلام - بر او وارد می‌شد، نزدش غذایی می‌یافت و چون می‌پرسید از کجا آوردی؟ می‌گفت خدا برای من فرستاده است (نک. حریری، ۱۳۸۴: ۳۳۹).

عیسی مریم از تو گر باز گردد این دم / این مرده زنده کردن در دم نباشد او را (اوحدی، ۱۳۷۶: ۱۱۲)

طبق آیه‌ی قرآن، از دیدگاه موضوع، بیت متن حاضر را جزء بینامتنیت قرآنی و بر اساس نظریه‌ی بینامتنیت کریستوا و بارت، می‌توان آن را جزء بینامتنیت دریافت دانست.

### ۳-۶. منجی موعود؛ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فی فرجه الشریف)

#### متن حاضر (شاهد مثال‌ها)

تو مگر نشینده‌ای در راه مرد مرکبی داریم / شاید این باشد همان گردی که دارد

مرکب و مردی / آن گنه بخشا سعادت بخش شو کتمند... (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۳۴).  
می دهم خود را نوید سال بهتر، سال هاست      گرچه هر سالم بتر از پار می آید فرود  
(اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۷۷).

گفتم «بنحفتی، شهر! / همه شب به نجوا نگران چه بودی؟» / گفتند: «بر آمدن روز را به  
دعا / شب زنده داری کردیم (شاملو، ۱۳۷۹: ۳۵).  
مگر به یمن دعا / آفتاب / بر آید (شاملو، ۱۳۷۹: ۳۶).

### متن غایب

امام صادق - علیه السلام -: فَأَمَّا الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا فَهُوَ الْمَهْدِيُّ بْنُ الْحَسَنِ  
الْعَسْكَرِيِّ... (مجلسی، ۱۳۸۰: ۱۰/۲۴۵) وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي: قائم ما کسی است  
که دنیا را پر از عدل می کند پس او مهدی پسر امام حسن عسکری - علیه السلام - است و  
اگر ایام او را درک کنم هر آینه خدمتگزار او می شدم (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۴۵).

### عملیات بینامتنی

کجاست صوفی دجال فعل ملحد کش      بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید  
(حافظ، ۱۳۹۱: ۴۹۰)  
باز آمدم مهدی صفت گردن زخم دجال را      وز امر مهدی عالمی از یک نفس احیا کنم  
(نور علیشاه اصفهانی، ۱۳۴۹: ۱۰۵)

### ۳-۷. عالم برزخ، بهشت و جهنم

#### متن حاضر (شاهد مثال ها)

زمین خدا هموار است / و عشق بی فراز و نشیب / چرا که جهنم موعود / آغاز گشته  
است (شاملو، ۱۳۷۶: ۳۵)؛

در گذرگاهی چنین از عافیت مهجور / بی کتابی اندر آن دوزخی سوزان حکایت های  
رعب انگیز / پرچم محزون تان را / سخت / دور می بینم که باد افتاده باشد روزی اندر سینه  
مغرور! (شاملو، ۱۳۷۱: ۵۳)؛

وز دوزخ و فردوس و بد و نیک به فریاد      وز زندگی و بود و نبود و همه، بیزار  
(اخوان ثالث، ۲۵۳۶: ۱۸۴)؛

بیتوته ی کوتاهی ست جهان / در فاصله ی گناه و دوزخ / خورشید هم چون دشنامی بر

می‌آید/ و روز شرم‌ساری جبران‌ناپذیری است (شاملو، ۱۳۷۹: ۵۴).

### متن غایب

جَنَّةُ الْمَأْوَى: عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى: که آرامگاه بهشت نزد آن درخت است (نجم/۱۵).

### عملیات بینامتنی

قرآن کریم که برای هدایت بشر از جانب حق تعالی و به عنوان معجزه‌ی نبی مکرم اسلام حضرت محمد ابن عبدالله -صلی الله علیه و آله و سلم- فرو فرستاده شده‌است، رسالتی جز به کمال رساندن آدمی و رسیدن وی به سر منزل مقصود ندارد. دیگر شعرا هم از آدم و بیرون‌راندن وی از بهشت چنین سخن گفته‌اند:

نیم‌روز اندر بهشت آدم عدیل ملک بود هفتصدسال از جگر خون راند بر سنگ و گیا  
(سنایی، ۱۳۸۸: ۴۰)

ز ما سلام به دارالسلام دار رسان که در زمانه‌ی ما خلق پنبه در گوشند  
(صائب، ۱۳۸۳: ۱۷۶۴)

بهشت برزخی تا روز قیامت ادامه خواهد یافت، ولی بهشت ابدی در آیات و روایات بیشتر به نام (جَنَّةُ الْمَأْوَى) یاد می‌شود که این بهشت جاویدان دیگر بعد از قیامت است، زیرا در روز قیامت به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌شود و صالحان به جَنَّةُ الْمَأْوَى برده خواهند شد تا ابدی گردند. از آنجایی که عشوه و فریب دنیا زودگذر است، افرادی که فریب مکر و حيله‌ی دنیا را می‌خورند، دیگر از نعمات بهشت برین محروم می‌شوند و از طرفی خداوند متعال الطاف کریمانه‌ی خویش را شامل حال آن‌ها نمی‌گرداند.

عطار و وحشی بافقی نیز درین باب سخن می‌گویند:

کوی تو که باغ ارم روضه خلد است انگار که دیدیم ندیدیم ندیدیم  
(وحشی بافقی، ۱۳۷۴: ۸۲)

تا بیابی در بهشت عدن جای شفقتی بنمای با خلق خدای  
(عطار، ۱۳۷۳: ۱۰۹)

### ۳-۸. رستاخیز ابدی و هنگامه‌ی مرگ

#### متن حاضر (شاهد مثال‌ها)

نشانی‌ها که می‌بینم در او بهرام را ماند/ همان بهرام ورجاوند/ که پیش از روز رستاخیز خواهد خواست/ هزاران کار خواهد کرد نام‌آور/ هزاران طرفه خواهد زاد ازو

بشکوه (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۱۷)؛

بس که دلنگیم و از جان سیر، می گوئیم: / مردن از این زندگی ها بهتر است، امّا /  
شاید این تکلیف ما باشد (اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۱۲۷ و ۱۲۸)؛  
و من درسکوت / او را کشتم / آتش نداده، دعائی نخوانده / خنجر به گلویش نهادم / و  
در احتضاری طولانی / او را کشتم / - خودم را - (شاملو، ۱۳۶۳: ۶۳).

### متن غایب

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ: پس خداوند، روز رستاخیز در  
آنچه با هم اختلاف می کردند، میان آنان داوری خواهد کرد (بقره/۱۱۳)؛  
وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ: و برای هر امتی  
اجلی است پس چون اجل شان فرا رسد، نه [می توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش  
(اعراف/۳۴).

### عملیات بینامتنی

امام حسین -علیه السلام- نیز عقیده دارند که همه ی آفریدگان در عرصه ی مرگ و  
فناپذیری قرار دارند و هیچ جنبنده ای از این قاعده مستثنی نیست:  
وَسَوَى الْمَوْتِ بَيْنَ الْخَلْقِ طُرّاً وَكُلُّهُمْ رَهَائِنٌ لِّلْفَنَاءِ  
ترجمه: خداوندی که مرگ را میان همه آفریدگان، یکسان قرار داد و همه آنها در  
گرو فنایند (امام حسین -علیه السلام-، ۱۳۸۳: ۱۰۲).  
حافظ شیرازی در مضمونی قریب به بیت فوق سروده است:

مراد در منزل جانان چه امن و عیش چون هر دم جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها  
(حافظ، ۱۳۹۱: ۱۸)

متن حاضر، از دیدگاه موضوعی، قرآنی و نیز بر طبق نظریه ی لوران ژنی، جزء  
بینامتنیت جزئی و تقدیری است.

### ۳-۹. جبر و اختیار (جایگاه تسلیم در برابر قضا و قدر)

#### متن حاضر (شاهد مثال ها)

من به تقدیر و به پیشانی و این گونه اباطیل / ندارم باور (شاملو، ۱۳۷۹: ۳۰)؛

- «ای جوی خشک! رهگذر چشمه قدیم! / وقتی مه، این پرنده‌ی خوشرنگ آسمان، / گسترده ایت بر تو و بر بستر تو بال / آیا تو هیچ لب بشکایت گشوده‌ای / از گردش زمانه و نیرنگ آسمان؟ (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۹۵)؛

قاضی تقدیر / با من ستمی کرده است / به داوری میان ما را که خواهد گرفت؟ (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۰۴)؛

آه، می‌فهمی چه می‌گویم؟ / ما به «هست» آلوده‌ایم، آری / همچنان هستان هست و بودگان بوده‌ایم ای مرد! / نه چو آن هستان اینک جا.دانی نیست (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۷۱)؛  
همچو آن موری که در طاسک فتد گیجم ولی این قدر دانم که در دام قضا افتاده‌ام (اخوان ثالث، ۲۵۳۶: ۱۱۵).

### متن غایب

لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا: نمی‌رسد ما را مگر آنچه خداوند بر ما نوشته است (توبه/۵۵)؛

نعم القرین الرضی: بهترین هم‌نشین رضا و تسلیم است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۲۱ / ۱۰).

### عملیات بینامتنی

باید باور داشته باشیم و یقین پیدا کنیم که خداوند متعال خیر محض است و دانای مطلق و هر آنچه امر می‌کند و مصلحت می‌بیند، بهترین است و عقل ما ناقص‌تر از آن است که بخواهد مصالح الهی را درک کرده و بشناسد. پس بر او توکل می‌کنیم و از درگاه کبریاایش می‌خواهیم تا به ما توفیق بندگی و راضی بودن به مقدراتش را بدهد.

جهان آفرینش در زیر سلطه‌ی یداللّهی خداوند متعال به وجود آمده و خلقت هر پدیده، وابسته و منوط به مشیت و اراده‌ی حضرت حق بوده که اگر پروردگار اراده کند، چیزی را می‌آفریند و اگر اراده‌ی او تعلق نگیرد، چیزی تحقق نمی‌پذیرد و به وقوع نمی‌پیوندد. باز بدیهی است که علم خداوند دانا از روز الست، به تمام موجودات و پدیده‌ها تعلق یافته و تمامی وجود و هر آن چه در جهان هستی پدید آمده‌است، در علم ازلی خداوند عملاً مشخص گردیده و اندازه معین داشته‌اند که این تعیین در علم الهی را گاهی «تقدیر» و گاهی «قضا» می‌نامند.



این مضمون را دیگر شعرای ادب فارسی این گونه گفته اند:

جز که آن قسمت که رفت اندر ازل      روی ننمود از شکار و از عمل  
(مولوی، ۱۳۷۵: ۴۵/۱)

زاهدان را زهد و ما را عشق خوبان شد نصیب      هر کسی را در ازل حق آن چه قسمت بود داد  
(نسیمی، ۱۳۸۲: ۳۱۵)

متن حاضر از دیدگاه بینامتنیت موضوعی، قرآنی و نیز بر اساس نظریه ی بینامتنی ژرار ژنت، غیر صریح است.

### ۳-۱۰. امیدواری به رحمت واسعه ی حق متن حاضر (شاهد مثال ها)

باز می گویند: فردای دگر / صبر کن تا دیگری پیدا شود / نادری پیدا نخواهد شد،  
امید! / کاشکی اسکندری پیدا شود (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۲۵)؛

نه زورقی و نه سیلی، نه سایه ی تبری / تهی ست آینه مرداب انزوای مرا / خوش آنکه  
سر رسدم روز و سردمهر سپهر / شبی دو گرم به شیون کند سرای مرا (اخوان ثالث، ۱۳۶۹:  
۶۹).

### متن غایب

«لَا تَقْنُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»: از بخشایش خدا نومید مباشید که  
خدا همه گناهان را می بخشاید (زمر / ۵۳).

### عملیات بینامتنی

دین مبین اسلام در رأس آن آیات نورانی وحی و احادیث اهل بیت -  
علیهم السلام- به کرات راجع به امیدداشتن به خداوند متعال و قطع امید بستن به  
اغیار را سفارش می نماید. به عنوان نمونه در ادب فارسی کهن عطار پیرامون  
ناامیدی از درگاه خداوند چنین دم زده است:

نامه ی ایمان اگر نبود سفید      رومبش از حق تعالی ناامید  
(عطار، ۱۳۷۳: ۵۵)

بیت متن حاضر از دیدگاه موضوع بینامتنی، قرآنی است و بر طبق نظریه ی بینامتنی  
لوران ژنی، بینامتنیت قوی است.

### ۳-۱۱. ظلم و ستمگری (توأمان همراهی شب و سیاهی و تباهی) متن حاضر (شاهد مثال‌ها)

من هراس ام نیست / چون سرانجام پر از نکبت هر تیره روانی را / که جنایت را چون  
مذهب حق موعظه فرماید / می‌دانم چیست / خوب می‌دانم چیست (شاملو، ۱۳۷۹: ۳۷)؛  
شب همچو زهد شیخ گرفتار و سوسه روز از نهاد چرخ چو شیطان شتاب کن  
همچون تبسمی که کند دختری عقیف بنیاد زهد و خانه‌ی تقوی خراب کن  
(اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۳۵).

#### متن غایب

حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم: الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى  
مَعَ الظُّلْمِ: پادشاهی ممکن است با کفر تداوم یابد ولی ممکن نیست با ستم پایدار نمی‌ماند  
(شعیری، ۱۴۰۵: ۱۱۹).

#### عملیات بینامتنی

قرآن کریم رذیله‌ی اخلاقی ستمگری و ظلم به مظلوم را بسیار نکوهش کرده و حتی  
در آیه‌ی ۷۵ سوره نساء نیز به صراحت حمایت از مظلومان را تکلیفی الهی بر عهده‌ی  
مؤمنان برمی‌شمارد و در آیاتی از جمله همین آیه و نیز آیات ۱۳ تا ۱۵ سوره‌ی ابراهیم و  
۳۹ و ۶۰ سوره‌ی حج از دفاع و حمایت خود از جبهه‌ی مظلومان در برابر متجاوزان و  
سرکشان سخن به میان می‌آورد تا نشان دهد که یاری مظلومان در حقیقت قرار گرفتن در  
صف خداجویانی است که در جبهه‌ی حق به خاطر مظلوم علیه ظالم می‌جنگند. احادیث از  
حضرت محمد ابن عبدالله - صلی الله علیه و آله و سلم - چنین آمده‌است: «هر کس مسلمانی  
را بی‌دلیل آزار دهد، گناهش چون کسی است که ده بار خانه کعبه و بیت‌المأمر را خراب  
کرده و هزار فرشته را کشته باشد» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۴۹۹/۱). متن حاضر از دیدگاه بینامتنی  
موضوعی، حدیثی و نیز بر طبق نظریه‌ی بینامتنی عزام، غیر آگاهانه است.

### نتیجه گیری

- ناقدین ادبی زیادی از دیدگاه بینامتنیت به بررسی ارتباط متون و تعامل آن‌ها نیز با هم می پردازند. امروزه ما با یک بینامتنیت سروکار نداریم، بلکه با شمار زیادی از بینامتنیت‌ها روبه‌رو هستیم که اگر از دریچه ی هریک از آن‌ها به اثر یا آثاری نگریسته شود و نیز تعامل آن با دیگر متون سنجیده شود، می تواند در بردارنده ی نتایج ارزنده ای باشد؛

- از آنجایی که اخوان ثالث و شاملو در اشعارشان از اقتباس‌ها و مضمون‌های ظاهری و مستقیم برای وام‌گیری از قرآن و روایات استفاده کرده‌اند، می توان بر اساس بینامتنیت الیافی، حجم وسیعی از آثار آن‌ها را جزء بینامتنیت آشکار دانست؛

- بینامتنیت دریافت با خوانش مطرح می شود و بدون وجود خواننده اساساً بینامتنیتی هم وجود نخواهد داشت؛ با توجه به این نگاه، می توان اذعان داشت که اعظمی از اشعار قرآنی - حدیثی اخوان ثالث و شاملو را بینامتنیت دریافت تشکیل می دادند؛ این حقیقت فقط از دیدگاه نقد ادبی خواننده محور می تواند برای مخاطبان اشعار ایشان حاصل گردد؛

- بر طبق نظریات بینامتنی، کلام شعری قرآنی - حدیثی اخوان و شاملو بیش از همه دارای بینامتنیت صریح، بینامتنیت قوی (یعنی بهره گیری روایی - قرآنی از واژگانی که دارای بار معنایی و مفهومی بالایی باشند) و بینامتنیت مضمونی (یعنی شاعر معانی موردنظر خود را به طور آگاهانه و با تاکتیکی خاص از متن غایب [قرآن - حدیث] گرفته و در اشعار خود [متن حاضر] به کار برده است)، می باشد.

## فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم. (۱۳۹۲). ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند. تهران: هلیا.
۲. ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ ق.). *الغیبه للنعمانی*. به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
۳. اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۴۸). زمستان. چاپ سوم. تهران: مروارید.
۴. ————. (۱۳۵۷). *زندگی می‌گوید: اما باید زیست، باید زیست، باید زیست! تهران: توکا*.
۵. ————. (۱۳۶۸). *ترا ای کهن بوم و بردوست دارم*. تهران: مروارید.
۶. ————. (۱۳۶۹). *از این اوستا*. چاپ هشتم. تهران: مروارید.
۷. ————. (۱۳۷۰). *آخر شاهنامه*. چاپ دهم. تهران: مروارید.
۸. ————. (۱۳۹۳). *سال دیگر، ای دوست، ای همسایه*. تهران: زمستان.
۹. ————. (۲۵۳۶). *ارغنون*. چاپ چهارم. تهران: مروارید.
۱۰. ————. (۱۳۵۷). *دوزخ اما سرد*. تهران: توکا.
۱۱. آلن، گراهام. (۱۳۸۰). *بینامتنیت*، ترجمه‌ی پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
۱۲. امام حسین - علیه السلام - (۱۳۸۳). *دیوان اشعار*، گردآورنده محمد عبدالرحیم، ترجمه‌ی امیر جابری، تهران: خورشید آفرین.
۱۳. امامی، زهره. (۱۳۹۳). «بررسی بینامتنیت قرآنی در اشعار دیک‌الجن الحمصی»، مجموعه مقالات همایش ملی بینامتنیت، جلد اول، به کوشش سیدمحمدرضی مصطفوی‌نیا، قم: پویشگر.
۱۴. امانی، رضا؛ محمدنبی احمدی و یسرا شادمان. (۱۳۹۲). «بررسی چگونگی ارتباط قرآن و شعر جاهلی با رویکرد بینامتنیت»، فصلنامه‌ی مطالعات ادبی - قرآنی. دانشکده‌ی اصول دین قم، س ۱، ش ۱، صص ۹۳-۷۳.
۱۵. بابا افضل کاشانی، حکیم افضل الدین. (۱۳۶۳). *رباعیات بابا افضل*، به کوشش سعید نفیسی، تهران: فارابی.
۱۶. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۹۱). *دیوان حافظ*، به تصحیح مرحوم خانلری، چاپ سوم، تهران: زوآر.
۱۷. حریری، محمدیوسف. (۱۳۸۴). *فرهنگ اصطلاحات قرآنی*، چاپ دوم، قم: هجرت.
۱۸. خاقانی شروانی، افضل الدین. (۱۳۷۸). *دیوان خاقانی*، به تصحیح دکتر میرجلال‌الدین کزازی،

تهران: مرکز.

۱۹. خواجه‌ی کرمانی، ابوالعطاء کمال‌الدین محمود بن علی. (۱۳۹۱). *دیوان اشعار*، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: سنایی.

۲۰. دهلوی، امیر خسرو. (۱۳۸۰). *دیوان امیر خسرو دهلوی*، با مقدمه محمد روشن، تهران: نگاه.

۲۱. دیلمی، حسن. (۱۴۱۲). *إرشاد القلوب إلی الصواب*، ترجمه‌ی سید عبدالحسین رضایی، قم: شریف رضی.

۲۲. راستگو، سید محمد. (۱۳۸۱). «راز و رمز هنری - بلاغی گونه‌گون خوانی‌های قرآن». نشریه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. س ۲۸. ش ۵۸. صص: ۳۷-۵۲.

۲۳. رنجبر، جواد و سجّاد عربی. (۱۳۹۲). «بینامتنی قرآن و روایی در شعر ابن یمن فریومدی»، مجله شعر پژوهی (بوستان ادب)، دانشگاه شیراز، سال ۵، ش ۴، صص ۹۱-۱۰۸.

۲۴. ساوجی، سلمان. (۱۳۸۲). *کلیات سلمان ساوجی*، به تصحیح عباس علی وفایی، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۲۵. سنایی، ابوالمجد. (۱۳۸۸). *دیوان سنایی*، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، چاپ هشتم، تهران: سنایی.

۲۶. شاملو، احمد. (۱۳۷۱). *باغ آینه*. چاپ هفتم. تهران: مروارید.

۲۷. ————. (۱۳۷۶). *آیة: درخت و خنجر و خاطره!* چاپ پنجم. تهران: مروارید.

۲۸. ————. (۱۳۷۹). *حدیث بی‌قراری ماهان*. چاپ دوم. تهران: مازیار.

۲۹. ————. (۲۵۳۶). *دشنه در دیس*. تهران: مروارید.

۳۰. ————. (۱۳۶۳). *قطعنامه*. چاپ سوم. تهران: مروارید.

۳۱. شعیری، تاج‌الدین. (۱۴۰۵ ق). *جامع الأخبار*، قم: رضی.

۳۲. صافیان، محمدجواد و مهدی غیاثوند. (۱۳۹۰). «هرمونیک گادامری و تأویل بینامتنی»، نشریه-ی ذهن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، س ۲۲، ش ۴۸، صص ۵۱-۷۸.

۳۳. صائب تبریزی. (۱۳۸۳). *دیوان اشعار*، تهران: علمی.

۳۴. العامری، لیل. (بی‌تا). *مفهوم التناسخ، الطبعة الاولى*، لبنان: مكتبة الشاملة.

۳۵. العانی، شجاع مسلم. (۱۹۹۹ م). *قرآآت فی الأدب و النقد، الطبعة الاولى*، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.

۳۶. عطّار، فریدالدین محمد. (۱۳۷۳). *بند نامه*، به تصحیح سیل وستر و ساسی، ترجمه‌ی ع. روح-بخشان، تهران: اساطیر.

۳۷. عطّار، فریدالدین محمد. (۱۳۸۸). *مصیبت‌نامه*، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی

کدکنی، چاپ چهارم، تهران: سخن.

۳۸. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). *متن کامل شاهنامه‌ی فردوسی*، تهران: پیمان.

۳۹. مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۷۵). *مثنوی*، چاپ دوم، تهران: علمی.

۴۰. میرزایی، فرامرز و ماشاءالله واحدی. (۱۳۸۸). «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۱۲، ش ۲۵، صص ۳۰۰-۳۲۲.

۴۱. نسیمی، عمادالدین. (۱۳۸۲). *زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی*، به کوشش یدالله جلالی پنداری، چاپ دوم، تهران: نی.

۴۲. نورعلیشاه اصفهانی. (۱۳۴۹). *دیوان اشعار*، به کوشش جواد نوربخش، تهران: فردوسی.

۴۳. وحشی باققی، کمال‌الدین. (۱۳۷۴). *کلیات دیوان وحشی باققی*، تهران: نامک.

۴۴. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۴۰۰ ق.). *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*. با ترجمه‌ی حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای. تهران: مکتبه‌الاسلامیه.